

حسن نیت در تجارت بین الملل

کوروش جعفرپور*

چکیده

اصل حسن نیت در حقوق قراردادهای یکی از مهمترین و اساسی ترین اصول می باشد که از دیرباز مورد توجه طرفین قرارداد بوده است. اهمیت این اصل با گذر زمان و پیچیده شدن روابط تجاری و ظهور قراردادهای تجاری بین المللی بیشتر و افزون تر گردیده است و امروزه در اسناد و قوانین تجاری بین المللی اهمیت خاصی به این اصل داده شده و آن را در قواعد عمومی ذکر می نمایند. این به آن معنی است که حسن نیت بایسته و شایسته هر نوع قرارداد تجاری است. در این مقاله سعی گردیده است که اصل مزبور به نحو مطلوب مورد بحث قرار گیرد. در آغاز به مفهوم و مبانی اصل حسن نیت و تاریخچه مختصری از آن در عرصه تجارت بین الملل پرداخته شده است. از آنجایی که خاستگاه حسن نیت حقوق داخلی کشورهای مختلف می باشد، لذا بخشی از این مقاله به بررسی اهمیت این اصل در نظامهای مختلف حقوقی اختصاص یافته است. در پایان نیز به بررسی اصل حسن نیت در اسناد تجاری بین المللی همچون کنوانسیون ۱۹۸۰ وین در مورد فروش بین المللی کالا «CISG» و سند اصول حقوق قراردادهای اروپایی «PECL» پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: اصل حسن نیت، قرارداد تجاری بین المللی، حقوق کامن لا، حقوق نوشته، کنوانسیون وین CISG، اصول حقوق قراردادهای اروپایی PECL، اصول قراردادهای تجاری بین المللی unidroit

* کوروش جعفرپور، دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات
دانشنامه حقوق و سیاست، سال اول، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۴، ص ۱۷۴ - ۱۴۱

مقدمه

بشر در زندگی خود نیازمند ابزار و وسایل کارآمدی است که بتواند با استفاده از آنها حیات خود را اداره نماید. یکی از این ابزارها رابطه توأم با احترام و پاس داشت اصول انسانی و اخلاقی است که به واقع می‌توان گفت شالوده روابط بشری بر آن است. در این میان اصل متعالی حسن نیت در روابط انسانی و اجتماعی نقش مهمی را ایفاء می‌نماید و اگر بیان نمائیم که حیات و قدمت آن به آغاز روابط انسانی برمی‌گردد گزارف نگفته‌ایم. پس نباید چنین پنداشت که اصل حسن نیت، حتی در روابط تجاری و قراردادی اصلی حادث و نوین می‌باشد. در دنیای تجاری کنونی که ارتباطات الکترونیکی موجب پیچیدگی آن شده است، نیاز به رعایت این اصل بیش از پیش احساس می‌شود، چنانکه این اصل از حالت صرف اخلاقی خارج و به آن ضمانت اجرای حقوقی اعطاء می‌نماید. بی شک بررسی همه جانبه این اصل در عرصه علم حقوق امری است بسیار دشوار و حتی غیرممکن. نگارنده این مقاله نیز با وقوف به این امر سعی نموده است در حد بضاعت علمی خود این اصل را در قالبی محدودتر بررسی نماید.

بخش اول: قلمرو تحقیق و مفهوم اصل حسن نیت

۱. قلمرو تحقیق

با توجه به اینکه موضوع مورد بحث درباره قراردادهای تجاری بین‌المللی است، لذا بهتر آن است پیش از ورود به مباحث اصلی، در این رابطه توضیحاتی هرچند کوتاه و مختصر داده شود. در تعریف عقد یا قرارداد به عنوان یک عمل حقوقی گفته شده است که: «عقد توافق دو یا چند اراده است که به منظور ایجاد آثار حقوقی انجام می‌شود.»^۱ همچنین بیان شده است که: «عقد عبارت است از همکاری متقابل اراده دو یا چند شخص در ایجاد ماهیت حقوقی.»^۲ باید به این نکته مهم اشاره نمود که درست است که در حوزه حقوق قراردادهای داخلی مفهوم عقد و قرارداد کاملاً منطبق با یکدیگر نیستند ولی در قلمرو حقوق تجارت بین‌الملل این دو تفاوت چندانی باهم ندارند. سوال مهمی که به ذهن متبادر می‌گردد این است که آیا موضوع این تحقیق معاهدات بین‌المللی را نیز شامل می‌شود؟ در پاسخ باید گفت که معاهده بین‌المللی، هرگونه توافق منعقد کتبی میان اشخاص

یا تابعان حقوق بین‌المللی و کشورها و سازمانهای بین‌المللی است، به شرطی که طبق مقررات حقوق بین‌المللی تنظیم شده باشد و این مقررات بر آن توافق حاکم باشند.^۳ موضوع معاهدات بین‌المللی از دو صورت خارج نیست: الف. قواعد کلی «نوعی» حقوق بین‌الملل؛ ب. مقررات راجع به موضوعات خاص در روابط بین‌المللی.^۴

حاصل آنکه معاهدات بین‌المللی ذاتاً و ماهیتاً از خصوصیت و ویژگی تجاری برخوردار نمی‌باشند و بین کشورها و سازمانهای بین‌المللی منعقد می‌شوند. گرچه اصل حسن نیت یکی از اصول مسلم تفسیر معاهدات بین‌المللی است ولی با این حال چون معاهدات بین‌المللی صرفاً به جهت حصول منافع تجاری منعقد نمی‌شوند، بنابراین می‌توان بیان داشت که با قراردادهای تجاری بین‌المللی، که هدف آن کسب منفعت اقتصادی است، تفاوت دارند. بنابراین معاهدات بین‌المللی خارج از موضوع بحث می‌باشد. در مورد تجاری بودن قراردادهای بین‌المللی لازم به ذکر است که در عرصه حقوق تجارت بین‌الملل کنونی نه به این توجه می‌شود که موضوع معامله جزو امور تجاری باشد و نه این که طرف معامله و یا حتی یکی از آنها تاجر باشد. فرض بر این است که مفهوم قراردادهای تجاری باید به گسترده‌ترین مفهوم ممکن آن درک شود آن چنان که نه تنها معاملات تجاری مربوط به عرضه یا مبادله کالا یا خدمات، بلکه انواع دیگری از معاملات اقتصادی همچون موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری و یا اعطای امتیاز، قراردادهای خدمات حرفه‌ای و غیره را هم دربرگیرد.^۵ از سوی دیگر فرض بر این است که مفهوم قراردادهای بین‌المللی باید به کامل‌ترین وجه ممکن تفسیر گردد؛ به طوری که در نهایت فقط وضعیت‌هایی که هیچ عامل بین‌المللی در آن ذی‌مدخل نیست مستثنی شود؛ یعنی مواردی که در آنها همه عوامل مرتبط با قرارداد موردنظر، فقط به یک کشور مربوط باشد.

۲. مفهوم حسن نیت

واژه‌نامه‌ها و کتب، تعاریف متعددی از «حسن نیت» را ارائه می‌دهند. در لغت نامه دهخدا واژه «حسن نیت» چنین معنی شده است: «حسن نیت عبارت است از: خوش نیتی، پاک نیت بودن، مقابل سوء نیت». منابع خارجی نیز معنای گوناگونی را برای این واژه ارائه نموده‌اند، از جمله: داشتن مقاصد، موافق بودن با معیارهای ادب و صداقت، اعتبار یا راستی، وفادار نسبت به تعهد خود. واژه «حسن نیت»

واژه‌ای است انعطاف پذیر که در علوم مختلفی نظیر فلسفه، اخلاق، سیاست، دین و عرفان و ... می‌توان در مورد آن بحث و گفتگو نمود. ولی آنچه ما از این واژه می‌خواهیم دریابیم معنی و مفهوم و تعریف اصل حسن نیت در عرصه حقوق تجارت بین‌الملل می‌باشد. در این باب حقوقدانان متفق‌القول نیستند ولی براین باورند که این اصل در تمام انواع قراردادهای تجاری بین‌المللی می‌بایست مراعات و اعمال شود. حقیقت مطلب این است که مفهوم «حسن نیت» در عرصه تجارت بین‌الملل از ابهام و پیچیدگی زیادی برخوردار است و حتی در حقوق قراردادی داخلی کشورها در ارائه تعریف و بیان مفهوم اصل حسن نیت بسیار محتاطانه عمل شده است و در بیشتر قوانین کشورهای مطرح در عرصه حقوق از بیان تعریف این اصل اجتناب گردیده است. به عنوان مثال یکی از مشکلات عدیده در این باره، جنبه ذهنی و عینی داشتن اصل حسن نیت است. به این معنی که حسن نیت دارای دو مفهوم است؛ یکی آنچه ذهن به آن دست می‌یابد و دیگری آنچه به طور عینی و در عمل نمود می‌یابد. ذهن از نظر روانی و درک امور تابع آن چیزی است که در خود جای داده است و در تجزیه و تحلیل آنچه به او داده می‌شود، از داشته‌های خود بهره می‌جوید. بنابراین هر شخصی بنا به مقتضای ذهنی خود برداشت خاصی از مسائل واقعی دارد. این وضعیت در تجزیه و تحلیل اصل حسن نیت نیز حاکم است. هر کسی بنا به تعالیم دینی، اخلاقی و اجتماعی خویش به تجزیه و تحلیل اصل حسن نیت می‌پردازد و به همین خاطر است که حقوق داخلی کشورها برداشت‌های متفاوتی از این اصل دارند. حتی در نظام حقوقی یک کشور نیز تعبیر از اصل حسن نیت یکسان نیست و تعابیر و تفاسیر متعددی در مورد این اصل وجود دارد. مشکل به همین جا ختم نمی‌شود. فرض کنیم که حقوقدانان ملل مختلف پس از سالیان متمادی اختلافات خود را در مورد مفهوم اصل حسن نیت به کنار گذاشتند و سرانجام توانستند یک مفهوم و تعریف ذهنی واحدی از حسن نیت که رضایت همگان را با خود در پی داشته باشد ارائه نمایند ولی باز یک مسأله اساسی باقی می‌ماند و آن توانایی تطابق این تعریف با موارد و مصادیق عینی و خارجی است. به عبارت دیگر این سوال مطرح می‌شود که آیا مفهوم ذهنی مورد توافق این قدرت را دارد که بتواند در همه مواردی که در عالم خارج نیاز به اعمال و اجرای اصل حسن نیت می‌باشد، نقش خود را به خوبی ایفاء نماید؟ مسلماً پاسخ مثبت دادن به این سوال کمی دشوار می‌نماید، چرا که بی‌شک در اعمال و اجرای این تعریف مورد توافق نیز اختلاف نظر پیش خواهد آمد. حال اگر این

معضل نیز به گونه‌ای رفع گردد، مشکل دیگری که پیش می‌آید، تطابق مفهوم حسن نیت از لحاظ حقوقی با مفهوم آن از لحاظ تجاری است. دنیای تجارت دنیای سود و ضرر است و هر شخصی در این عالم به دنبال آن است که بیشترین و بالاترین منفعت را به دست آورد و به این امر که آیا طرف مقابل نیز از تجارت منتفع می‌شود یا خیر، توجه چندانی نمی‌شود. واقعیت امر این است که تعهدات اخلاقی در عالم تجارت تا حد زیادی رنگ می‌بازد و تمامی مفاهیم اعم از اخلاقی، حقوقی، انسانی و ... تحت الشعاع مفاهیمی نظیر سودجوئی و منفعت طلبی قرار می‌گیرند. حال این سوال به ذهن می‌رسد که آیا مفهوم اخلاقی و حقوقی اصل حسن نیت درست همان است که در عالم تجارت از آن استنباط می‌شود؟ آیا تجار قبل از اینکه معاملاتشان را انجام دهند خود را مقید و ملزم به رعایت حسن نیت می‌دانند؟ طرح این گونه مطالب در تجارت باعث خواهد شد که عالم تجارت نیز با مفاهیم اخلاقی آشنا و آراسته شود. از طرفی اصل حسن نیت به عنوان یک اصل دامنه‌دار، سرچشمه قواعد و رویه‌های مختلفی در عالم تجارت قرار می‌گیرد که نتیجه آن در تجارت موجب افزایش اعتماد طرفین نسبت به یکدیگر و پیشرفت تجارت می‌گردد.^۸ آرائه مفهوم و توصیفی روشن از اصل حسن نیت لازم و ضروری به نظر می‌رسد چرا که در سایه همین تعاریف، حقوق و تعهدات طرفین در عرصه معاملات تجاری بین‌المللی معین و مشخص می‌گردد.

علمای حقوق تجارت بین‌الملل تلاشهای زیادی در جهت ارائه یک تعریف شفاف از مفهوم اصل حسن نیت کرده‌اند. عده‌ای از آنها بر این باورند که نمی‌توان تعریف واحدی از اصل حسن نیت ارائه داد، لذا آنان به جستجوی مصادیق آن می‌پردازند و ترجیح می‌دهند که با یافتن مصادیق اصل حسن نیت و دسته بندی کردن آنها مفهوم این اصل را روشن نمایند. گروهی نیز با این روش مخالفند. آنها معتقدند که یافتن تمامی موارد و مصادیق اصل حسن نیت غیرممکن است، پس بهتر آن است که به جای جستجوی مصادیق حسن نیت، جوایب مصادیق عدم حسن نیت باشیم؛ به عبارت دیگر با بیان موارد سوء نیت گام مؤثری در جهت تعریف و شفاف سازی اصل حسن نیت برداریم.^۸ ولی باید اذعان نمود که چنین راه‌حلهایی به جهت اینکه بیان تمامی مصادیق حسن نیت و یا سوء نیت در عرصه روابط تجاری بین‌المللی امری غیرممکن است، چاره‌ساز نمی‌باشند. دریای تجارت روز به روز و لحظه به لحظه به سوی تکامل و توسعه گام برمی‌دارد. عملی که در یک زمان و در یک معامله

تجاری بین‌المللی به عنوان جلوه‌ای از حسن نیت تلقی می‌گردید، در زمان و معامله‌ای دیگر به صورت مصداقی از سوء نیت قلمداد می‌شود. همچنین طرز تلقی و تفکر افراد در مورد مصداق حسن نیت و سوء نیت باهم متفاوت است. عملی که در نظر یک تاجر انگلیسی به عنوان یک عمل براساس حسن نیت محسوب می‌شود شاید از دیدگاه یک تاجر ایرانی به عنوان مصداقی از سوء نیت تلقی گردد. در مورد حسن نیت تعاریف متعددی در حقوق قراردادها آمده است که در ذیل به ذکر چند نمونه از آنها می‌پردازیم. حسن نیت در تجارت بین‌الملل عبارت است از:

- منصف بودن^۹
- رفتار منصفانه داشتن^{۱۰}
- منطقی و متعارف بودن^{۱۱}
- معیارهای متعارف رفتار منصفانه^{۱۲}
- صداقت در عمل و واقع^{۱۳}
- رفتار شایسته^{۱۴}
- وجدان اخلاقی^{۱۵}

در مورد تعاریف مذکور، اگرچه ارائه دهندگان آنها تلاش نموده‌اند که با ارائه عباراتی کلی و جامع از گزند ایرادات و انتقادات مصون بمانند ولی همین کلی‌گرائی افراطی باعث گردیده، که حق مطلب آن چنان که باید و شاید ادا نشود. متأسفانه ارائه دهندگان این مفاهیم و تعاریف در صدد توضیح و تشریح آنها برنیامده‌اند و خواننده را در یک سردرگمی نامطلوب قرار داده‌اند. این به آن معنی نیست که ارائه دهندگان این تعاریف از تخصص کافی برخوردار نبوده‌اند، بلکه این امر بیان‌کننده آن است که ارائه مفهوم روشن و شفاف از اصل حسن نیت در روابط تجاری بین‌المللی کاری بسیار سخت و شاید در برخی موارد ناممکن است. با این حال نباید از ارائه آنچه که به ذهن می‌رسد دریغ ورزید و این دلایل را بهانه عدم تعریف مفهوم حسن نیت قرارداد. به نظر می‌رسد، حسن نیت عبارت است از مفهومی اخلاقی در روابط تجاری بین‌المللی به گونه‌ای که از یک سو باعث ارتقای صداقت و درستی در ضمیر متعهدان در عرصه تجارت بین‌الملل و توسعه هر چه بیشتر انصاف و عدالت در عرصه اعمال تجاری بین‌المللی گردد و از سوی دیگر زمینه کاهش و از بین رفتن هرگونه فریب و نیرنگ، چه از

نظر ذهنی و درونی و چه از نظر عملی و بیرونی در تعهدات تجاری بین‌المللی را فراهم می‌آورد.

۳. تاریخچه مفهوم حسن نیت در تجارت بین‌الملل

حسن نیت به عنوان یک اصل حقوقی برای اولین بار با تقنین الواح دوازده‌گانه^{۱۶} توسط رومی‌ها در سال ۴۵۰ قبل از میلاد ایجاد شد. آشنائی با مفهوم حسن نیت باعث شد که دادگاههای صلح روم خارج از قوانین خشک و غیرقابل انعطاف و مطابق با حسن نیت در قراردادهای صدور حکم پردازند. التزام به حسن نیت به طور فزاینده‌ای در توافقی‌هایی مثل مشارکت، فروش کالا، اجازه غیرمنقول، قیمومت و اجازه خدمات گسترش یافت.^{۱۷} در دل تعهد به حسن نیت که رومی‌ها آن را ایجاد کرده بودند، اصل وفای به عهد قرار دارد که به نظر بسیاری قاعده اساسی و اصلی حسن نیت را تشکیل می‌دهد. به طوری که به نظر حقوقدانان روم باستان اصل وفای به عهد نشان‌دهنده این است که: «آنچه برای خیر و صلاح بشر مناسب‌تر است، همان باید در توافق طرفین مراعات و در نظر گرفته شود».^{۱۸} سقوط امپراطوری روم و در پی آن رشد مسیحیت به عنوان یک عامل اصلی در تمدن غرب باعث شد که به اصل حسن نیت توجه بیشتری گردد. ایمان به باطن نیک به عنوان یک عنصر مهم در حقوق جدید روم، که از اصول و قواعد دین مسیح متأثر شده بود جلوه نمود و به طور معمول توسط کلیسا صلاحیت خود را در جهت رسیدگی به دعاوی مدنی گسترش داد؛ صلاحیتی که دامنه آن در قرون وسطی بسط و توسعه فراوانی یافت. دادگاههای کلیسائی آرای قضائی خود را در اختلافهای مدنی براین اساس که حسن نیت معیاری برای سنجش تقدس و حرمت تعهدات قراردادی است صادر می‌نمودند. در قرن سیزدهم میلادی با توسعه نهضت فلسفی و مذهبی^(۱) اصل حسن نیت به طور آشکارتری در تعهدات به کار گرفته شد. در این میان سن توماس اکناس،^(۲) از فلاسفه این نهضت، مفهوم حسن نیت را به عنوان نمونه‌ای از حقوق فطری معرفی کرد.^{۱۹} براساس نظر این اندیشمند، حسن نیت یکی از قواعد حقوق طبیعی و فطری و در نتیجه یکی از قواعد تمامی مکاتب حقوقی اعم از حقوق کلیسا و مذهبی و حقوق غیرمذهبی است. بعدها طرفداران این نهضت، خصوصاً فرانسیسکو سوارز تلاشهای زیادی

1. Scholasticism

2. St. Thomas Aquinas

در جهت تعریف دقیق اصل حسن نیت در قالب و چارچوب حقوق غیرمذهبی^(۱) نمودند. توجه این عده از علما به اصل حسن نیت باعث شد که از ارزش دکترین حقوقی Caveat emptor، که به موجب آن مشتری احتیاطات لازم در خرید کالا را باید به عمل آورد، کاسته شود و بر میزان تنبیهات جزایی برای اعمال تجاری فریب کارانه تجار، افزوده گردد. براساس دیدگاه توماستیکی قراردادهایی که تحت تأثیر اکراه یا فریب منعقد می‌شوند، نه تنها شرورانه بلکه غیر معتبر و باطل نیز می‌باشند. با این حال باید اذعان نمود که این عقاید تنها تا قسمتی موجب توسعه اصل حسن نیت شدند. گسترش تجارت و بازرگانی در قرون یازده و دوازده میلادی به طور چشمگیری در توسعه و به کارگیری اصل حسن نیت در روابط قراردادی نقش داشته است. در این دوران دیدگاهی نوین نسبت به متقابل بودن حقوق طرفین توسط بازرگانان حرفه‌ای اروپا و در جهت رشد قسمت تجارت شکل گرفت و به دنبال آن توجه وافی به تبادل منصفانه^(۲) بین طرفین در قراردادهای تجاری ایجاد شد. این روند ادامه پیدا کرد تا جائی که امروزه قدرت تجاری طرفین قرارداد به عنوان یکی از عوامل مهم در تجزیه و تحلیل به کارگیری و یا عدم به کارگیری حسن نیت در روابط جاری توسط دادگاههای کشورهای اروپایی مورد مذاقه قرار می‌گیرد.^{۲۰}

بخش دوم: حسن نیت در نظامهای حقوقی

در این قسمت کوشش خواهیم کرد که جایگاه اصل حسن نیت در دو نظام بزرگ حقوقی یعنی کامن‌لا و حقوق نوشته را نمایان سازیم. در بادی امر چنین به نظر می‌رسد که کشورهای تابع هر یک از این دو نظام دیدگاههای کم و بیش یکسانی در مورد اصل حسن نیت داشته باشند. ولی خواهیم دید که چنین نیست و هر یک از این کشورها دیدگاه مخصوص به خود را در این مورد دارند. ذکر این بخش از تحقیق از آن جهت ضروری است که ما را هرچه بیشتر در جهت درک کامل اصل حسن نیت در عرصه تجارت بین‌المللی یاری می‌نماید، چرا که در واقع خاستگاه این اصل حقوق داخلی کشورها است و نمی‌توان آن را به عنوان یک اصل صرف بین‌المللی تلقی نمود.

1. Secular Law
2. Fair exchange

۱. جایگاه حسن نیت در نظام حقوقی کامن لا «Common Law»

دیدگاه نظام حقوقی کامن لا نسبت به اصل حسن نیت وابستگی اساسی به وضعیت اقتصادی و روابط قراردادی دارد. اوج اهمیت این نظام به اصل حسن نیت در روابط میان قانون و انصاف به چشم می‌خورد. به عبارت دیگر نظام مزبور بر این تأکید دارد که در اجرای قانونی یک قرارداد، ولو به طور مختصر باید به وظایف اخلاقی نیز توجه اساسی نمود.^{۲۱} تقسیمات وسیعی که اخیراً در حقوق انگلستان بین دادگاههای حقوقی و دادگاههای انصاف انجام یافته، بر اهمیت اصل حسن نیت افزوده است. دلیل این امر آن است که به نظر بسیاری تقسیم و جدائی این دونوع دادگاه باعث شده است که بتوان به اصل حسن نیت، هر چند به طور محدود توجه بیشتری نمود. واقعیت امر این است که تأکید بر اصل حسن نیت در دادگاههای انصاف بسیار بیشتر از دادگاههای حقوقی است؛ به این دلیل که به کارگیری این اصل با ساختار دادگاههای انصاف تطبیق و هماهنگی بیشتری دارد و اصولاً آئین دادرسی در این نوع دادگاهها براساس و پایه حس نیت بنا شده است.^{۲۲} از آنجایی که خاستگاه کامن لا کشور انگلستان است، لذا دیدگاه نظام حقوقی این کشور در مورد اصل حسن نیت تأثیر کم و بیشی بر دیدگاه نظامهای حقوقی سایر کشورها که تابع نظام کامن لا هستند، داشته است؛ بنابراین ناگزیریم که به بررسی مختصری از آن بپردازیم.

الف. حسن نیت در حقوق انگلستان

باید اذعان نمود که نظام حقوقی کامن لا در کل و در مقایسه با نظام حقوقی نوشته در مورد اصل حسن نیت انعطاف کمتری از خود نشان داده است و از این میان حقوق انگلیس دیدگاه تنگ نظرانه‌تری نسبت به این اصل دارد. دلایلی چند موجب ایجاد چنین وضعیتی شده است: اول اینکه قضات انگلستان براین عقیده بوده‌اند که زندگی در دنیای تجارت سخت و خشن است و فرد تا زمانی که نمی‌داند باید چه اعمالی در عالم تجارت انجام دهد، نباید وارد آن شود و خود را با آن درگیر نماید. بنابراین اصول نرم و قابل انعطافی همچون حسن نیت نمی‌تواند کارآیی چندانی در عالم تجارت داشته باشد.^{۲۳} این یک واقعیت است که حقوق انگلیس طرفین قرارداد را براین امر توصیه می‌کند که قبل از هر چیز ملاحظات کامل را انجام دهند، زیرا ثبات قراردادها در این نظام حقوقی چیزی است که

نمی‌توان آن را به آسانی و صرفاً با توسل به اصل حسن نیت برهم زد. دوم اینکه حقوقدانان انگلستان بر این اعتقادند که به منظور رعایت تعهدات قراردادی و حفظ نظم قراردادی قابل پیش‌بینی بودن یک موضوع حقوقی و دعوی قراردادی مهمتر از اجرای صرف عدالت می‌باشد. در روابط تجاری اینکه تجار بتوانند نتایج حاصله از اعمال تجاری خود را پیش‌بینی نمایند و براساس آن عمل کنند، یک ضرورت است. در این حالت به کارگیری اصل حسن نیت ممکن است تمامی این پیش‌بینی‌ها را به هم زند و نتیجه‌ای غیر از آنچه تاجر انتظار آن را داشته، فراهم آورد.^{۲۴} و کلام آخر این که در حقوق انگلستان اصول وقواعدی غیر از اصل حسن نیت وجود دارند که اجرای آنها همان نتایجی را به بار می‌آورد که از اجرای اصل حسن نیت همان نتایج حاصل می‌شود.^{۲۵}

با همه این اوضاع و احوال نمی‌توان گفت که اصل حسن نیت در حقوق انگلیس به کلی وجود ندارد. در نظام حقوقی این کشور فرض بر این است که اگر کسی از روی صداقت و درستی عمل کند این عمل وی در بردارنده حس نیت نیز خواهد بود؛ حتی اگر در عمل خود تقصیر نموده یا غفلت کرده باشد. بر این پایه بخش سوم از ماده ۶۱ قانون فروش کالا چنین بیان می‌دارد: «از نظر این قانون عملی براساس حسن نیت پنداشته می‌شود که آن عمل واقعاً با صداقت انجام شود، اعم از اینکه قصور و غفلتی در انجام آن وجود داشته باشد یا وجود نداشته باشد». حسن نیت در حقوق انگلستان به مفهوم عام و گسترده خود استفاده نمی‌شود بلکه فقط در موارد خاص و در برخی روابط خاص قرار دادی اعمال می‌شود. مثلاً در رابطه بین اصیل و نماینده، نماینده براساس اصل حسن نیت مکلف است که منافع فردی خویش را فرع بر منافع اصیل قرار دهد. او نباید دلالتی یا حق‌العمل کار دیگری را به طور پنهانی قبول کند یا منافع خویش را بر منافع اصیل ترجیح دهد. همچنین وی مکلف است که شخص اصیل را از تمامی وقایعی که مربوط به رابطه‌شان می‌شود مطلع نماید که همه اینها براساس اصل حسن نیت پایه‌ریزی می‌گردد. به همین منوال مدیر کارخانه مکلف به رعایت اصل حسن نیت در امور مربوط به کارخانه می‌باشد. این تکلیف در مورد امین و متولی نیز ثابت است.^{۲۶} باتوجه به این نکته که حسن نیت در حقوق قراردادهای انگلستان در معنای محدود و مضیق خود به کار گرفته می‌شود بنابراین در مورد مسئولیت‌های ناشی از مذاکرات پیش از قرارداد این اصل اعمال نمی‌گردد. به این معنی که طرفین تا زمانی که قراردادی را منعقد ننموده‌اند هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال یکدیگر

ندارند. شروع به مذاکرات پیش از قرارداد تا زمانی که قرارداد منعقد شده باشد خود به عنوان یک ریسک برای هردو طرف محسوب می‌شود. بنابراین نقض چنین مذاکراتی از سوی یکی از طرفین نقض حسن نیت نبوده و هیچ‌گونه مسئولیتی برای طرف ناقض در پی نخواهد داشت، حتی اگر این مذاکرات تا مرز انعقاد رسمی قرارداد سوق داده شده شوند.

ب. حسن نیت در حقوق ایالات متحده آمریکا

حسن نیت و مفهوم آن در حقوق ایالات متحده وضعیتی کاملاً متفاوت از آنچه در نظام حقوقی انگلستان مشاهده نمودیم دارد. گرچه هردو کشور از نظام حقوقی کامن‌لا تبعیت می‌کنند، ولی برعکس حقوق انگلستان، حقوق قراردادهای ایالات متحده دهها سال است که این اصل را پذیرفته و محاکم در جهت حل و فصل دعاوی قراردادی از این اصل بهره‌ فراوانی برده‌اند. مجموعه قوانین مختلفی اصل حسن نیت را در خود جای داده‌اند که مهمترین آنها قانون یکنواخت تجارت آمریکا^(۱) و UCC^(۲) و شرح جدید حقوق در مورد قراردادها^(۳) RC می‌باشد. هردوی این قوانین طرفین قرارداد را ملزم به رعایت حسن نیت می‌نمایند. ماده ۲۰۳-۱ قانون متحد تجارت آمریکا UCC چنین بیان می‌دارد: «هر قرارداد یا تعهدی به موجب این قانون تعهد به حسن نیت را در اجرا و الزام به اجرای خود به طرفین تحمیل می‌نماید.» ماده ۲۰۵ شرح جدید حقوق در مورد قراردادها RC چنین بیان می‌دارد: «هر قراردادی در اجرا یا الزام به اجرای خود هریک از طرفین قرارداد را ملتزم به تعهد به حسن نیت و رفتار منصفانه می‌نماید.» بنابراین مشاهده می‌شود که بحث حسن نیت در قوانین قراردادهای ایالات متحده جایگاه خود را یافته و پیشرفت فراوانی داشته است. بحث‌های فراوانی در مورد اصل حسن نیت در حقوق آمریکا انجام یافته و حقوقدانان این کشور تعاریف متعددی از آن ارائه نموده‌اند. متون قانونی این کشور هرکدام با توجه به موضوع خود تعریفی از این اصل ارائه داده‌اند. به عنوان مثال در ماده (۱۹) ۲۰۱-۱ قانون UCC می‌خوانیم: «حسن نیت عبارت است از راستی و صداقت واقعی در رابطه با داد و ستد مربوطه» و ماده ۲۰۳-۱ قانون شرح جدید حقوق قراردادی RC چنین بیان می‌دارد: «حسن نیت عبارت است از صداقت در عمل و رعایت معیارهای معقول تجاری

1. Uniform Commercial Code

2. Restatement of Contracts

و رفتار منصفانه در تجارت».^{۲۷} حقوقدانهای این کشور در مورد نحوه اجرای این اصل اختلاف نظر دارند. از بین نظریات مختلف سه دیدگاه اصلی وجود دارد که هر یک روشن کننده زوایایی از این اصل مهم و اساسی می‌باشند: اولین دیدگاه که از سوی پروفیسور آلن فارنس ورت ارائه گردیده است عبارت از این می‌باشد که تعهد به اجرای حسن نیت در قرارداد از سوی طرفین قرارداد منبع و ایجاد کننده شروط ضمنی قرارداد می‌باشد. وی بر این باور است که تکلیف به اجرای حسن نیت می‌تواند اساس شروط بسیاری باشد که نه صریحاً بلکه به طور ضمنی در قرارداد موجود می‌باشند. برخی از محاکم آمریکا این نظر را در آرای خود پذیرفته‌اند.^{۲۸} دیدگاه دوم متعلق به پروفیسور ربرت سامرز^(۱) می‌باشد. ایشان بر این عقیده‌اند که اثر اصلی اجرا و اعمال اصل حسن نیت از ایجاد یک سلسله امور نامتعارف که باید به عنوان سوء نیت نامیده شوند، ممانعت به عمل می‌آورد. به عبارت دیگر اثر اعمال حسن نیت جلوگیری از ایجاد سوء نیت در روابط قراردادی است. این نوع برداشت نه تنها مورد استقبال گروهی از محاکم قرار گرفت بلکه در آراء و اندیشه‌های حقوقدانان دیگر نیز تأثیر بسزایی داشت. دیدگاه سوم متعلق به پروفیسور استون برتن^(۲) می‌باشد. وی معیاری ارائه داده است که اساس آن همانا توقعات و انتظارات معقول طرفین می‌باشد و بر این اعتقاد است که به کارگیری اصل حسن نیت موجب محدودیت اختیار طرفین قرارداد در چگونگی و نحوه اجرای آن می‌شود.^{۲۹} با تمام پیشرفتی که اصل حسن نیت در حقوق قراردادهای ایالات متحده داشته، در این کشور نیز، به مانند سایر کشورهای تابع نظام حقوقی کامن لا، این اصل مرحله مذاکرات پیش از انعقاد قرارداد را دربر نمی‌گیرد و به عبارت دیگر در حقوق قراردادهای^{۳۰} این کشور چیزی به نام لزوم رعایت اصل حسن نیت در مرحله مذاکرات قبل از انعقاد قرارداد وجود ندارد.

ج. حسن نیت در حقوق استرالیا و کانادا

در این بخش ابتدا به بررسی اصل حسن نیت در حقوق استرالیا و سپس حقوق کشور کانادا می‌پردازیم: همان گونه که می‌دانیم حقوق قراردادهای کشور استرالیا متأثر از حقوق قراردادهای

1. Robert Summers

2. Stowan Bartin

انگلستان است و از آنجایی که نظام حقوقی استرالیا ملهم از حقوق بریتانیا می‌باشد، اصولاً نباید انتظار داشت که اصل حسن نیت در این کشور دارای بنیان قوی و گسترده‌تری فراوانی باشد. با این وجود حقوقدانان این کشور در مورد این اصل و اجرای آن به مانند حقوقدانان انگلیسی از خود شدت و سخت‌گیری نشان نمی‌دهند. در واقع حقوق قراردادهای استرالیا در سالهای اخیر تحت تأثیر قوانین UCC و شرح جدید حقوق قراردادهای ایالات متحده RC قرار گرفته است. اصل حسن نیت برای اولین بار و به طور رسمی در حکمی که توسط حقوقدانان برجسته استرالیا جاستیس پریستلی^(۱) در دعوی Renard Construction^{۳۱} صادر شد، مورد استفاده واقع گردید. وی در حکم مزبور اعلام داشت: «نوعی از منطقی بودن که من در مورد آن بحث می‌کنم با نظریه حسن نیت سازگاری دارد. این نظریه در بسیاری از کشورهای تابع نظام حقوق رومی-ژرمنی و همچنین در تمامی ایالت‌های کشور ایالات متحده در بسیاری از انواع قراردادها به طور صریح یا ضمنی به کار گرفته می‌شود. اگرچه به کارگیری ضمنی حسن نیت هنوز در حقوق استرالیا به همان اندازه و وسعت مورد استفاده قرار نمی‌گیرد ولی نشانه‌های بسیاری دال بر شناسایی این اصل و به کارگیری آن در حل معضلات حقوق قراردادهای به طور ضمنی وجود دارد.»^{۳۲} با صدور این رأی محاکم کشور استرالیا با توجه بیشتری به این بحث پرداختند و حقوقدانان آن در مورد مفهوم حسن نیت نظریات گوناگونی را ابراز نمودند. عده‌ای از آنها بر این اعتقادند که باید به اصل حسن نیت به عنوان یک مفهوم مستقل نگریست و در روابط قراردادی و اجرای قراردادها از آن به تنهایی و به عنوان یک مفهوم حقوقی استفاده کرد. از سوی دیگر عده‌ای از حقوقدانان استرالیا با دیدگاه فوق مخالفند و بر این باورند که حسن نیت حتی در بالاترین مراحل و پیشرفته‌ترین درجات خود، از ارائه یک تعریف مستقل ناتوان می‌باشد. به نظر می‌رسد که حقوق استرالیا در مورد پذیرش اصل حسن نیت گام‌های موثری برداشته و در شناسایی این اصل پیشرفت و رشد روزافزونی داشته است.

حقوق قراردادهای کانادا نیز در برخورد و تلقی خود از اصل حسن نیت وضعیت کمابیش مشابهی دارد و محاکم کانادا به طور روزافزونی اقدام به شناسایی اصل حسن نیت می‌نمایند؛ ولی در این راه موانعی نیز وجود دارد. یکی از این موانع وجود مفاهیم مشابه نزدیک به اصل حسن نیت

1. Justice Priestly

می‌باشد که از دیرباز در حقوق این کشور وجود داشته و در آن ریشه دوانیده است؛ به طوری که این امر موجب گردیده است که محاکم کانادا با احتیاط بیشتری به استفاده از اصل حسن نیت اقدام نمایند. با این حال حقوقدانان این کشور بر این امر اصرار دارند که در کنار مفاهیم و اصول قدیمی باید به اصل حسن نیت نیز توجه اساسی نمود. بیشترین مورد استفاده از اصل حسن نیت در دادگاههای کشور کانادا مربوط به حل و فصل دعاوی مربوط بر روابط و قراردادهای امانی می‌شود. جایی که یکی از طرفین قرارداد به خاطر سوء استفاده از حقوق و اختیارات خود تعهد به حسن نیت در روابط قراردادی خود را نقض می‌کند.^{۳۳} آنچه ذکر شد مربوط به اکثر ایالات کشور کانادا می‌شود که از نظام حقوقی کامن لا تبعیت می‌کنند. ولی وضعیت در ایالت کبک به گونه‌ای دیگر است؛ از آنجا که نظام حقوقی این ایالت تابعی از نظام حقوقی رومی و ژرمنی می‌باشد به اصل حسن نیت اهمیت بیشتری داده شده است تا جایی که دو ماده از مواد قانون مدنی این ایالت در رابطه با حسن نیت تدوین گردیده است. ماده ۶ قانون مدنی کبک به طور عام تمامی افراد یک جامعه را ملزم به رعایت حسن نیت می‌کند و ماده ۱۳۷۵ همین قانون، که به طور خاص مربوط به روابط قراردادی می‌شود، چنین اظهار می‌دارد: «طرفین قرارداد براساس حسن نیت رفتار خواهند نمود؛ چه در زمانی که تعهد ایجاد می‌شود و چه در زمانی که تعهد اجرا می‌شود یا تعهد لغو و باطل می‌گردد.»

۲. جایگاه اصل حسن نیت در نظام حقوق نوشته «Civil Law»

بحث حسن نیت در نظام حقوق نوشته دارای سابقه و پیشینه قوی تری نسبت به نظام حقوقی کامن لا می‌باشد. علت این امر ممکن است ناشی از تأثیر قوانین شرعی کلیسا در شکل‌گیری این نظام حقوقی باشد. دلیل دیگر این امر نحوه برخورد این نظام حقوقی با روابط قراردادی است. نگرش نظام حقوقی کامن لا نسبت به روابط قراردادی نگرشی سخت‌گیرانه می‌باشد. از نظر این نظام حقوقی آنچه در یک رابطه قراردادی مهم است جنبه‌های مالی و اقتصادی و استحکام و خدشه‌ناپذیری یک قرارداد می‌باشد. برعکس، نظام حقوقی نوشته در این رابطه انعطاف بیشتری از خود نشان می‌دهد و به جنبه‌های عادلانه و اخلاقی قرارداد و همچنین به رضایت طرفین قرارداد توجه اساسی دارد. از این رو در این نظام به ارزیابی اخلاقی رفتار طرفین قرارداد و در نتیجه به کارگیری اصل حسن نیت در روابط

قراردادی توجه اساسی شده است؛ که معمولاً حاصل چنین نگرشی در کشورهای تابع نظام حقوق نوشته اختصاص ماده‌ای به اصل حسن نیت است.^{۴۸} مهمترین اثر پذیرش گسترده اصل حسن نیت در نظام حقوق نوشته، اعمال این اصل در مرحله مذاکرات قراردادی است. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد نظام حقوقی کامن لا تمایلی به اعمال اصل حسن نیت در مرحله پیش از انعقاد قرارداد ندارد. برعکس نظام حقوقی نوشته در مورد تعهدات و مسوولیت پیش از انعقاد قرارداد پیشرفتهای شگرفی داشته است و می‌توان گفت که در نظام حقوق قراردادهای کشورهای تابع نظام حقوق نوشته «Civil Law» امتناع از مذاکرات پیش قراردادی بدون وجود عذر موجه، معایر با اصل حسن نیت شناخته می‌شود. با این حال نباید چنین پنداشت که تمام کشورهای تابع نظام حقوق نوشته به یک میزان از اصل حسن نیت استقبال کرده‌اند.

الف. حسن نیت در حقوق آلمان

در مورد اصل حسن نیت و دایره وسعت عمل آن در حقوق تعهدات آلمان سخن بسیار است و به جرأت می‌توان گفت که حقوق این کشور در صف مقدم حامیان این اصل می‌باشد. ریشه حسن نیت در حقوق قراردادهای آلمان به ماده ۲۴۲ قانون مدنی این کشور مربوط می‌شود؛ این ماده چنین بیان می‌دارد: «متعهد ملزم است که باتوجه به رویه معمول، تعهد خود را مطابق با حسن نیت اجرا نماید.» این ماده و محتوای آن تأثیر شدیدی بر حقوق تعهدات آلمان داشته است. قضات و حقوقدانان آلمانی اشتیاق فراوانی به بکارگیری محتوای این ماده در آراء و نظریات خود دارند تا جایی که برخی از آنها در هر مورد که پای حقوق مدنی به میان کشیده می‌شود، به این ماده مراجعه می‌نمایند و حتی در تفسیر برخی از مواد قانون مدنی از این ماده یاری می‌جویند.^{۳۵} دایره وسعت به کارگیری حسن نیت در حقوق تعهدات آلمان آن‌چنان گسترده است که علمای حقوق این کشور بر این باورند که در تفسیر مواد حاوی اصل حسن نیت در اسناد و کنوانسیون‌های تجاری بین‌المللی باید از مباحث گسترده و تجارب فراوان مربوط به این اصل که در حقوق آلمان موجود است، استمداد جست. حقوقدانان و محاکم آلمان از این قاعده در موارد بسیاری یاری می‌جویند. موارد زیر مصداق‌هایی از این استفاده گسترده است: یکی از موارد توسل و اجرای اصل حسن نیت در موردی است که قانون یا قرارداد

راه‌حلی برای آن مورد ارائه نکرده باشد. می‌دانیم که حتی دقیقترین قوانین و قراردادها نیز عاجز از پیش‌بینی تمامی جزئیات هستند و تصمیم‌گیری در این موارد به طرفین قرارداد و در صورت اختلاف به دادگاه محول می‌شود. در چنین شرایطی می‌توان برای حل مسأله از اصل حسن نیت استفاده نمود.^{۳۶} مورد دیگر که اصل حسن نیت در آن به کار گرفته می‌شود جایی است که قانونگذار عمداً یا سهواً در خصوص حالت یا مسأله‌ای قانون را به اجمال برگزار نماید. در این وضعیت اصل حسن نیت در جهت شفاف‌سازی و پرکردن خلاء قانونی وارد عرصه می‌شود. به طور مثال قانون مدنی آلمان در باب مسوولیت مدنی و جبران خسارت زیان‌دیده و عناصر و عوامل ایجاد مسوولیت مدنی، مواد قانونی زیادی ندارد ولی محاکم این کشور با استفاده از اصل حسن نیت اقدام به ایجاد قواعد مسوولیت مدنی و شیوه‌های جبران خسارت نموده‌اند.^{۳۷} و از همه مهمتر این که در حقوق آلمان از حسن نیت و رفتار منصفانه می‌توان به عنوان پایه و اساس رفع خسارت جدید یاد کرد. این گونه اصلاحات و رفع خسارتها در حقوق تعهدات این کشور مورد بررسی قرار گرفته است. نمونه بارز آن اقدام به تعدیل قراردادها^(۱) به علت تغییر اوضاع و احوال می‌باشد که در حقوق آلمان براساس ماده ۲۴۲ قانون مدنی این کشور گسترش یافته است.^{۳۸} باید بیان نمود که حسن نیت چنان در جامعه کشور آلمان گسترش یافته است که افراد آن جامعه به گونه‌ای خود را ملتزم به این اصل می‌دانند. مردم این کشور با تأثیر از عقاید مذهبی و شخصی خود این اصل را به خوبی پذیرفته‌اند و آن را در تمامی عرصه‌های زندگی خود به رسمیت شناخته‌اند.

ب. حسن نیت در حقوق فرانسه

شاید بتوان گفت که موضوع «حسن نیت» یکی از موضوعات تقریباً قدیمی در حقوق فرانسه می‌باشد. بند سوم ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه مصوب سال ۱۸۰۴ نیز به آن اشاره نموده است. در حقوق این کشور حسن نیت در شاخه‌های متعددی از جمله حقوق اموال و حقوق خانواده به کار رفته است و ولی بحث حسن نیت در حقوق قراردادهای فرانسه موضوع نسبتاً جدیدی است که در سالیان اخیر مورد توجه حقوقدانان این کشور قرار گرفته است. عده‌ای بر این عقیده‌اند که حسن نیت

1. Adjustment of Contracts

یکی از مباحث جاودانه و فناپذیر حقوق می‌باشد؛ چرا که از یک سو حقوق نمی‌تواند به نحو خشک و انعطاف‌ناپذیر به حیات خود ادامه دهد و بنابراین نیاز دارد که موضوعاتی مانند حسن نیت را در خود جای دهد و از سوی دیگر شایسته است که در جهت پیشرفت حقوق ملاحظات اخلاقی و روانی، که از اولین مبانی و ملاحظات مربوط به حسن نیت است، در نظر گرفته شود.^{۳۹} همان طور که اشاره شد ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه مصوب ۱۸۰۴ به موضوع حسن نیت اشاره دارد. بند سوم این ماده چنین بیان می‌دارد: «قراردادها باید همراه با حسن نیت اجرا شوند.» حال باتوجه به اینکه بحث حسن نیت در بند سوم ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه، که قدمت آن به بیش از دو قرن بر می‌گردد مطرح شده است، این سوال به ذهن می‌رسد که چرا بحث حسن نیت یکی از مباحث جدید حقوق قراردادهای فرانسه به شمار می‌رود؟ این امر شاید عدم علاقه دکترین و رویه قضایی فرانسه به حسن نیت باشد. بند سوم ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه در عمل از چندان موفقیتی برخوردار نشد و حقوقدانان فرانسه بیشتر بر این متمایل بودند که از این قسم ماده کمتر استفاده نمایند و در عوض بیشتر از مفهوم انصاف که در ماده ۱۱۳۵ قانون مدنی ذکر شده بود بهره‌مند شوند. عده‌ای از شارحین قانون مدنی فرانسه در طی قرن نوزدهم بر آن بودند که با ارائه یک تفسیر تاریخی بند سوم ماده ۱۱۳۴ را نادیده بگیرند لذا چنین بیان شد که هدف این قسمت از ماده صرفاً نشان دادن تفکیک رومی صورت گرفته بین قراردادهای صرف و قراردادهای توأم با حسن نیت بوده است و مقصود دیگری نداشته است. طی قرن نوزدهم مبحث «حسن نیت» در رویه قضایی با نوعی بی‌اعتمادی مواجه می‌گردد.

از اواخر قرن نوزدهم اصول‌گرایی مربوط به اصل حاکمیت اراده تا حدود زیادی از بین رفت و قدرت خلاقه رویه قضایی ظهور بیشتری یافت؛ در نتیجه دلایل مربوط به کنار گذاشتن حسن نیت نیز کاهش پیدا کرد ولی به کلی ریشه کن نشد.^{۴۰} به طور کلی می‌توان گفت که اصل حسن نیت در حقوق قراردادهای فرانسه پایگاه شایسته خود را نیافته است و حتی رویه قضایی از آن به طور ضمنی و تحت پوشش عنوان تفسیر استفاده می‌نماید. پیشرفته‌ها در این زمینه رفته رفته بیشتر می‌شود ولی باز به کندی صورت می‌گیرد. دکترینی که در اواخر قرن هجدهم تفسیر قرارداد براساس حسن نیت را زیاد نمی‌پسندیدند، از اواخر دهه ۶۰ قرن بیستم و در جهت حمایت از منافع طرف قراردادی که از قدرت رقابتی ضعیف‌تری برخوردار می‌باشد، رویکرد جدیدی نسبت به این اصل از خود نشان دادند.

بالاخره در سال ۱۹۸۵ برای اولین بار دیوان عالی کشور فرانسه اختیار مبنی بر بند سوم ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه را پذیرفت. از آن تاریخ تاکنون مفهوم حسن نیت در جهت توسعه و تکامل گام‌های مهمی برداشته است ولی بازابهام و پیچیدگی آن کاملاً از بین نرفته است. این امر باعث شده است که حقوقدانان فرانسوی در تفسیر قراردادهای بیشتر از مواد ۱۱۵۶ و ۱۱۶۴ قانون مدنی این کشور سود جویند. در مورد تکمیل، تغییر و اصلاح قرارداد نیز رویه قضائی فرانسه بیشتر بر این امر تمایل دارد که از مفاهیم حسن نیت و انصاف به گونه‌ای استفاده نماید که قاضی بدون پذیرش صریح اصل حسن نیت و در واقع به طور ضمنی بتواند در قرارداد تجدیدنظر نماید.^{۴۱} ولی نکته مهمی که در مورد نقش اصل حسن نیت در حقوق قراردادهای فرانسه وجود دارد این است که این اصل نه فقط در مرحله اجرای قرارداد بلکه در تمام مراحل حیات قرارداد مطرح می‌شود و آن چیزی است که تلویحاً می‌توان از بند سوم ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه استنباط نمود و آن را به مرحله پیش قراردادی تسری داد. تکلیفی مبنی بر مذاکره با حسن نیت برعهده طرفین قرارداد است که اختیار آنها را در جهت عدم انعقاد قرارداد محدود می‌کند. به این معنی که عدول از انعقاد قرارداد همراه با سوء نیت برای هریک از طرفین ممنوع می‌باشد. در مورد اجرای قرارداد نیز امروزه دادگاههای فرانسه اغلب از دادن حق فسخ معامله یا اعطای خسارت به نفع طرف قراردادی که از اجرای توأم با حسن نیت قرارداد سر باز زده است، خودداری می‌کنند. در مورد خاتمه دادن قرارداد از طریق فسخ نیز باید گفت که در حقوق فرانسه فسخ یک قرارداد باید مبتنی بر رأی دادگاه باشد. (ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی فرانسه) اما طرفین می‌توانند توافق کنند که در صورت قصور متعهد از ایفای تعهد، قرارداد خود به خود منحل شود. با این وجود دادگاهها مدعی داشتن یک نوع حق کنترل بعدی برای بررسی این نکته هستند که آیا شرط فاسخ مزبور در شرایط غیرتقلب‌آمیز و توأم با حسن نیت اجرا شده است یا خیر.^{۴۲}

تمامی این موارد نشان دهنده آن است که اصل حسن نیت در حقوق قراردادهای فرانسه دارای پیشرفت و گسترش بوده است. ولی با همه این اوصاف تردیدها و ابهامات در این زمینه کم نیست. به واقع حسن نیت در حقوق قراردادهای فرانسه دارای یک مبنای قانونی ناکارآمد و ناکافی است. تعریف آن نامشخص است و رویه قضائی موضع واضحی در این باب ندارد. مسلماً مفهوم متن در حقوق قراردادهای این کشور در حال توسعه و گسترش است ولی چگونگی و حدود این توسعه با

ابهام روبرو می‌باشد.

بخش سوم: جایگاه اصل حسن نیت در اسناد تجاری بین‌المللی

الف. حسن نیت در کنوانسیون وین ۱۹۸۰ مربوط به بیع بین‌المللی کالا CISG^{۴۳}

۱. مروری کوتاه بر چگونگی پیدایش اصل حسن نیت در کنوانسیون وین

کنوانسیون وین ۱۹۸۰ مربوط به بیع بین‌المللی کالا حاصل تلاش بی‌وقفه بزرگترین حقوقدانان دنیا می‌باشد. هدف این کنوانسیون تلاش در جهت یکنواخت کردن قوانین مربوط به فروش بین‌المللی کالاها می‌باشد. بحث مربوط به اصل حسن نیت در قواعد عمومی این کنوانسیون و به عبارت دیگر در بند ۱ ماده ۷ آن گنجانده شده است و این نشانگر آن است که نویسندگان این سند تجاری به اهمیت این اصل پی برده و تلاش نموده‌اند که گستره به کارگیری آن را بیش از پیش وسعت ببخشند. با این حال نویسندگان این سند محدودیتی در مورد اعمال اصلی حسن نیت و قراردادهای تجاری بین‌المللی ایجاد نموده‌اند و آن عبارت است از این که اصل حسن نیت را فقط در مورد تفسیر مواد کنوانسیون قابل اعمال دانسته‌اند. متن ماده ۷ کنوانسیون وین به قرار ذیل است: ۱. در تفسیر این کنوانسیون باید به خصیصه بین‌المللی بودن آن و ضرورت ارتقاء هماهنگی در اجرای آن و رعایت حسن نیت در تجارت بین‌الملل توجه شود؛ ۲. مسائل مربوط به موضوعات تحت حاکمیت کنوانسیون حاضر که تکلیف آنها صراحتاً در این کنوانسیون تعیین نشده، برطبق قانونی که حسب قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی «تعارض قوانین» قابل اعمال می‌باشد، حل و فصل خواهند شد.

شیوه نگارش این ماده و تلقی اصل حسن نیت به عنوان یک ابزار تفسیری موجب بروز اختلاف نظر در بین حقوقدانان شده است. بیشتر اختلافات از آنجا ناشی می‌شود که عده‌ای از حقوقدانان بر این باورند که ماده ۷ کنوانسیون وین فقط جنبه تفسیری دارد و مبین قاعده‌ای ماهوی نمی‌باشد و گروهی دیگر با این نظر موافق نیستند. برخی از شارحین کنوانسیون به هنگام تفسیر ماده ۷ از آن به عنوان ماده‌ای دشوار و عجیب یاد می‌کنند و چنان بیان می‌دارند: «عقیده غالب این است که ماده مذکور مبهم بوده و یا حداقل برای مدتی طولانی مبهم باقی خواهد ماند و به خاطر این که مواد کنوانسیون وین بسیار مختصر و کوتاه می‌باشند، این ابهام و پیچیدگی هرگز حل نخواهد شد.»^{۴۴} حال ممکن است این

سوال به ذهن متبادر شود که به چه علت اصل حسن نیت بدین نحو در کنوانسیون وین مطرح شده است؟ چرا از حسن نیت به عنوان یک وسیله تفسیری یاد شده است؟ و چرا نویسندگان کنوانسیون در صدد این کار برآمده‌اند که اصل حسن نیت را به نحو جامع‌تر و روشن‌تری ارائه دهند؟ به طور خلاصه در پاسخ به این سؤالات باید بیان داشت که علت این امر اختلاف نظرهایی بود که نمایندگان کشورهای مختلف به هنگام طرح بحث حسن نیت به عنوان یکی از اصول کنوانسیون وین با یکدیگر داشتند. لازم به ذکر است که بحث حسن نیت در مجمع تدوین کنوانسیون وین برای اولین بار توسط نماینده اسپانیا در سال ۱۹۷۲ پیشنهاد شد و رفته رفته صورت جدی‌تری به خود گرفت. نمایندگان عده‌ای از کشورها از این پیشنهاد استقبال کردند ولی تعدادی از اعضای کمیسیون تدوین کنوانسیون از این پیشنهاد انتقاد نمودند. این گروه چنین استدلال می‌کردند که مفهوم حسن نیت به قدری مبهم و غیرشفاف است که امکان اعمال هماهنگ و یکنواخت آن وجود ندارد. قضاات و داوران به خاطر این ابهام مجبور خواهند شد که حسن نیت را براساس قواعد موجود در حقوق داخلی خود تغییر و تفسیر نمایند و این باعث خواهد شد که تفاسیر متفاوتی از اصل حسن نیت موجود در کنوانسیون در کشورهای مختلف ارائه شود. این عدم ثبات باعث ورود لطمه به تجارت بین‌الملل خواهد شد. عده‌ای دیگر نیز با این استدلال که مطرح کردن اصل حسن نیت در کنوانسیون غیرضروری می‌باشد، خواستار حذف این ماده بودند؛ چرا که اصل مزبور به طور ضمنی در تمامی قوانین تنظیم‌کننده فعالیت‌های تجاری وجود دارد و بنابراین نیازی به ذکر آن در کنوانسیون نمی‌باشد. از سوی دیگر ایراد مهمی که بر اصل حسن نیت موجود در این ماده می‌توان وارد نمود، نداشتن ضیافت اجرائی است»^{۴۵}

علی‌رغم این مخالفتها، عده قابل توجهی از نمایندگان حاضر، خواستار ابقاء این ماده بودند. ایشان براین باور بودند که مفهوم حسن نیت - اگرچه مفهوم آن در تمامی نظامهای حقوقی یکسان نیست - مفهومی است که در سطح جهانی پذیرفته شده است و محتوای آن به طور روزافزونی از طریق آراء و تصمیمات قضائی در حال تبلور و ظهور کامل می‌باشد. در مورد ایراد به نداشتن ضمانت اجرائی نیز چنین پاسخ داده‌اند که این ضمانت اجرایی اگرچه در خود متن ماده و کنوانسیون وجود ندارد ولی با این حال هیچ مشکل عمده و اساسی را به بار نمی‌آورد زیرا که قضاات و داوران می‌توانند در این مورد از راه حل‌های انعطاف پذیر حقوق داخلی خود استمداد جویند. حتی اگر این روش را نپذیریم و

بحث حسن نیت بدون ضمانت اجرایی باقی بماند، باز صرف بیان اصل حسن نیت دارای این مزیت می‌باشد که طرفین قرارداد و محاکم قضایی و داوری متوجه می‌شوند که در مبادلات تجاری بین‌المللی آنچه مهم است اصول و معیارهای متعالی همچون عمل براساس حسن نیت و تجارت برپایه رفتار منصفانه می‌باشد. از سوی دیگر ذکر چنین مقرره‌ای در آینده نه چندان دور باعث ایجاد نظم نوین اقتصادی در سطح بین‌المللی خواهد شد و از تبعیضات و بی‌عدالتی‌های موجود در صحنه اقتصاد بین‌الملل خواهد کاست.^{۴۶} با بروز مخالفتها و عدم توافق اعضای کمیسیون در مورد قلمرو اعمال اصل حسن نیت، گروه کاری تهیه‌کننده کنوانسیون درصدد برآمد که با جلب نظریات و پیشنهادات حقوقدانان مشکل را حل نماید. در این راه سه پیشنهاد مهم و عمده ارائه شد. اولین پیشنهاد عبارت بود از قراردادن مفهوم حسن نیت در مقدمه کنوانسیون. این پیشنهاد با این استدلال که اگر قرار باشد حسن نیت در مقدمه آورده شود، صورت اثربخشی خود را از دست خواهد داد، رد شد. نظر دیگر این بود که مفهوم حسن نیت در ماده‌ای گنجانده شود که این ماده در ارتباط با تفسیر بیانات و رفتار طرفین باشد. گروه کاری با این نظر نیز موافقت نمودند. زیرا اعتقاد داشتند که هدف از ایجاد اصل حسن نیت تعیین قصد و نیت طرفین قرارداد نیست؛ بلکه الزام طرفین قرارداد به برخورداری از یک معیار رفتاری در روابط قراردادی می‌باشد. در این راستا دیدگاه سومی نیز ارائه گردید که گروه کاری با آن موافقت نمود. این نظر امروزه تنه اصلی بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون وین را تشکیل می‌دهد. بنابراین می‌توان بیان داشت که حسن نیت مذکور در بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون وین حاصل توافقی است که به سختی بعد از چندین سال تدوین شده است.

۲. نقش حسن نیت در کنوانسیون وین

در این مبحث بر آن هستیم که فروض مختلفی را که در مورد نقش حسن نیت در کنوانسیون وین به ذهن متبادر می‌شود بررسی و سپس از بین آنها بهترین فرض را انتخاب نمائیم:

الف. حسن نیت محصول اعمال طرفین قرارداد یا عرف تجارت بین‌المللی

عده‌ای از حقوقدانان بر این باورند که نیازی به مطرح کردن صریح اصل حسن نیت در

کنوانسیون نیست؛ چرا که رعایت حسن نیت لازمه و شرط ضمنی هر فعالیت تجاری بوده است و خواهد بود. ماده ۹ کنوانسیون پایه و اساس استدلال این گروه می‌باشد:

«۱. طرفین ملزم به رعایت هرگونه عرف و عادت مورد توافق و همچنین کلیه رویه‌هایی که بین خود تأسیس و تصدیق کرده‌اند می‌باشند؛ ۲. فرض این است که طرفین عرفی را که بدان وقوف داشته یا می‌باید وقوف می‌داشتند و آن عرف و عادت در تجارت بین‌المللی به نحو گسترده‌ای برای طرفین قراردادهای مشابه در تجارت خاصی شناخته شده و به طور منظم مراعات گردیده را به نحو ضمنی بر قرارداد فی‌مابین یا انعقاد آن حاکم ساخته‌اند؛ مگر آنکه برخلاف آن توافق شده باشد.»^{۴۸}

همان‌گونه که مشاهده می‌شود این ماده دو منبع را برای تعهدات ذکر می‌کند و آن عبارت است از رویه‌های طرفین و عرف و عادت. بنابراین می‌توان تصور نمود که طرفین قرارداد عمل به حسن نیت یا رفتار منصفانه را در قرارداد خود مدنظر قرار می‌دهند. همچنین رعایت حسن نیت در تجارت می‌تواند به صورت یک عرف نمود پیدا کند. حتی اگر عرف مبنی بر درخواست طرفین به رعایت حسن نیت به نحوه اثباتی ایجاد نشود مطمئناً عرف نفی هرگونه سوء نیت در قراردادها وجود خواهد داشت. اشکال این نظر آن است که اثبات وجود حسن نیت یا سوء نیت در ضمیر طرفین قرارداد و نیز تعیین و درک موارد عدم حسن نیت امری بسیار دشوار می‌باشد.

ب. حسن نیت به عنوان راهنمایی در جهت تفسیر کنوانسیون

این دیدگاه از ترجمه تحت‌اللفظی بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون وین حاصل می‌شود. از آنجایی که مفهوم حسن نیت فقط در بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون مورد اشاره قرار گرفته است، بنابراین تنها و تنها نقش تفسیری خواهد داشت. بدین ترتیب از اصل حسن نیت فقط در تفسیر کنوانسیون می‌توان بهره جست. به عنوان مثال طبق ماده ۲۴ کنوانسیون وین «اعلام قبول زمانی به گیرنده نامه می‌رسد که به وی تحویل داده شود اعم از این که محل تحویل، مرکز فعالیت تجاری او باشد یا محل سکونتش.» حال اگر محل سکونت و محل فعالیت تجاری ایجاب کننده فاصله زیادی از هم داشته باشند و قبول کننده نیز واقف به این امر باشد، اگر قبول کننده نامه حاوی قبولی را به محل سکونت تاجر پست کند، ممکن است عمل وی برخلاف اصل حسن نیت تلقی شود؛ به این علت که وی می‌دانسته که تاجر

معمولاً اعمال تجاری خود را در مرکز تجاری انجام می‌دهد نه در محل سکونت خود. این مثال نشان می‌دهد که چگونه در تفسیر یک ماده از کنوانسیون می‌توان از اصل حسن نیت یاری جست.

ج. حسن نیت به عنوان پیش نیاز اجرای شیوه‌های جبران خسارت

چنین تفسیری از اصل حسن نیت با استناد به بند دوم ماده ۷ کنوانسیون وین صورت می‌پذیرد. به موجب این قسمت از ماده ۷، اصل حسن نیت یکی از اصول کلی است که کنوانسیون وین بر پایه آن نهاده شده است. براساس چنین تفسیری خریدار یا فروشنده پیش از این که بتواند از حقوق و شیوه‌های جبران خسارتی که در کنوانسیون وین پیش‌بینی شده است، بهره‌گیرد، می‌بایست براساس حسن نیت رفتار نماید.

د. حسن نیت به عنوان یک اصل اساسی و ماهوی در موارد غیر صریح

این برداشت از کنوانسیون وین نیز براساس بند دوم ماده ۷ کنوانسیون وین می‌باشد. مزیت این تفسیر نسبت به تفاسیر گذشته این می‌باشد که مفهوم حسن نیت را با نقش ماهوی آن تطبیق بیشتری داده است. براساس این دیدگاه مفهوم حسن نیت نه تنها در مواردی که صراحتاً در کنوانسیون وین پیش‌بینی شده‌اند مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه از آن به عنوان یک اصل مستقل در مورد مسائل واقعه که تحت شمول ضمنی کنوانسیون می‌باشند، نیز استفاده می‌شود. به طور مثال فرض کنید که در قرارداد بیعی این گونه ذکر شده است که فروشنده ملزم به تحویل اسناد و مدارک مربوط به کالا به خریدار می‌باشد ولی در مورد محل تحویل حرفی به میان نیامده است. ماده ۳۴ کنوانسیون نیز فقط فروشنده را ملزم به تحویل مدارک و اسناد مربوط به کالا در محلی می‌نماید که در قرارداد ذکر شده است. بنابراین هم قرارداد و هم کنوانسیون در این مورد سکوت کرده‌اند. در این صورت اصل کلی حسن نیت وارد عمل می‌شود و از فروشنده می‌خواهد که اسناد و مدارک را در محلی تحویل خریدار دهد که آن محل مناسب حال خریدار باشد و از سوی دیگر از خریدار می‌خواهد که بدون توجه به محل تحویل، در صورت امکان اسناد و مدارک کالا را از فروشنده بگیرد.^{۴۹}

هـ. اصل حسن نیت به عنوان یک راهنمای تفسیری صرف

به موجب این تفسیر بند دوم ماده ۷ کنوانسیون وین نمی‌تواند پاسخگوی مسائلی باشد که به طور صریح تحت شمول کنوانسیون وین قرار نگرفته‌اند. بنابراین چنین مقرره‌ای توانایی ایجاد اصول کلی را دارد که می‌توان آنها را به عنوان جلوه‌های خاصی از حسن نیت قلمداد نمود. براین اساس اصولی مانند اصل عدم مشروعیت اعمال نفوذ ناروا یا عدم مشروعیت تدلیس جزئی از اصل عمومی و کلی حسن نیت می‌باشند. با این وجود اگر تمامی این اصول را یک جا جمع‌آوری کنیم، نمی‌توانند موجد اصل حسن نیت کلی و عمومی شوند که آن بتواند به نوبه خود به طور مستقل موجد حق و تکلیف برای طرفین قرارداد شود. حداکثر انتظاری که از عبارت حسن نیت می‌رود این است که به عنوان یک عبارت مختصر و مفید، نهادی برای اخلاقیات باشد. تنها جایی که اصل حسن نیت می‌تواند از یک معنی اخلاقی فراتر رفته و به عنوان یک مفهوم حقوقی به کار گرفته شود، به هنگام تفسیر کنوانسیون می‌باشد.^{۵۰}

۳. اعطای نقش مناسب به اصل حسن نیت در کنوانسیون وین

باتوجه به مطالب یاد شده می‌توان گفت که حسن نیت در کنوانسیون وین می‌تواند پذیرای یکی از این چهار نقش باشد.

الف) حسن نیت به عنوان رویه عملی طرفین قرار داد

ب) حسن نیت به عنوان یک عرف تجاری

ج) حسن نیت به عنوان یک اصل کلی ماهوی

د) حسن نیت به عنوان یک وسیله تفسیری

در یافتن نقشی مناسب برای اصل حسن نیت در کنوانسیون وین باید به دو نکته مهم توجه داشت: اول این که روش مزبور موجب بسط عملکرد و دایره شمول اصل حسن نیت در کنوانسیون باشد و دوم این که علاوه بر مورد یاد شده، بتوان مفهوم واضح و روشن و بدون ابهامی از اصل حسن نیت موجود در کنوانسیون وین ارائه نمود. از بین چهار نظر ارائه شده اکثریت حقوقدانان به این امر تمایل دارند که یا حسن نیت را به عنوان یک اصل کلی ماهوی در کنوانسیون تلقی نمایند و یا آن را به

عنوان یک وسیله تفسیری به کار گیرند. به دلیل اینکه استنباط و تفسیر اصل حسن نیت از طریق رویه عملی طرفین قرارداد امری متغیر و ناپایدار است، حسن نیت را نمی توان به عنوان رویه عملی طرفین قرارداد به کاربرد؛ چرا که خود واژه رویه عملی دارای فراخی و گستردگی فراوانی است و اگر بخواهیم آن را به عنوان مبنای تفسیر اصل حسن نیت قرار دهیم باید انواع وضعیتهای مختلف و گوناگون را در نظر بگیریم که در هریک از آنها حسن نیت به گونه ای متفاوت از موارد دیگر مطرح می شود.^{۵۱}

در مورد اینکه آیا می توانیم حسن نیت را ناشی از عرف تجاری بدانیم یا خیر نظریات مختلفی وجود دارد. طرفداران این نظر بر این باورند که اصل حسن نیت جزئی از عرف تجاری می باشد که دارای ضمانت اجرای بین المللی است. در مخالفت با این نظر گفته شده است که یک نظام حقوقی نیروی الزام آور خود را فقط و فقط از یک حاکمیت ملی اخذ می کند.^{۵۲} به دلیل اختلاف نظرهای شدیدی که حقوقدانان در مورد به کارگیری این دو تفسیر دارند و نیز به دلیل این که این دو نظریه بین آنان از اقبال چندانی برخوردار نمی باشد ما نیز از توضیح اضافی در این مورد خودداری می کنیم و دو مورد دیگر را مورد بررسی قرار می دهیم:^{۵۳}

● حسن نیت به عنوان یک اصل کلی ماهوی

گروهی از حقوقدانان بر این باورند که حسن نیت مذکور در کنوانسیون وین از ویژگی ماهوی برخوردار است و آن را باید به عنوان یک اصل کلی مستقل به کار برد. ایشان بر این اعتقادند که از دو راه می توان به این نتیجه رسید که حسن نیت یکی از اصول کلی کنوانسیون وین است. نخست از طریق مقایسه مواد از کنوانسیون که ارتباط تنگاتنگ با این مساله دارند و گرفتن این نتیجه که کنوانسیون وین حسن نیت را یکی از اصول کلی خود فرض می کند و دیگر اینکه ما وجود اصل حسن نیت را از اول به عنوان یک اصل کلی مفروض بدانیم و آن را در جزء جزء کنوانسیون ساری و جاری تلقی نمائیم.^{۵۴} در تأیید این نظر که اصل حسن نیت به عنوان یک اصل ماهوی کلی در کنوانسیون وین مطرح شده است می توان به تفسیر حقوقی دبیرخانه کنوانسیون وین در مورد پیش نویس کنوانسیون که در سال ۱۹۷۸ منتشر شد استناد نمود. دبیرخانه کنوانسیون چنین بیان نمود: «بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون مبین آن است که مواد کنوانسیون چنان تفسیر و اعمال شوند که موجبات ترقی و پیشرفت مراعات

اصل حسن نیت را در عرصه تجارت بین الملل فراهم آورند. موارد متعددی از اساس این اصل را می‌توان در مواد کنوانسیون یافت که موارد ذیل نمونه‌ای از آنها می‌باشند: قسمت دوم بند ۲ ماده ۱۶؛ بند دوم ماده ۲۱؛ بند دوم ماده ۲۹؛ مواد ۳۷ و ۳۸ و ۴۰؛ بند دوم ماده ۴۹؛ بند دوم ماده ۶۴ و ۸۲؛ مواد ۸۵ تا ۸۸.^{۵۵} با وجود این تفسیر حقوقی که نقش ماهوی بر اصل حسن نیت اعطا نموده است، باز عده‌ای از حقوقدانان دایره عمل این اصل را بیش از این می‌دانند و بر این باورند که این اصل در تمامی جنبه‌های تفسیری و زمینه‌های اجرائی مواد کنوانسیون اعمال می‌شود. این گروه بر این باورند که حتی می‌توان از اصل حسن نیت در مورد مسائلی که تحت شمول ضمنی کنوانسیون وین است، بهره جست.^{۵۶} با این وجود سه اشکال اساسی توسط مخالفان این دیدگاه ایراد شده است: نخست اینکه، محتوای شفاف و روشنی در مورد اصل حسن نیت در کنوانسیون وین موجود نمی‌باشد. این استدلال که چون اصل حسن نیت در بند اول ماده ۷ کنوانسیون آمده و بنابراین یکی از اصول کلی و ماهوی کنوانسیون می‌باشد باید کنار گذاشته شود. اگر ما چنین استدلالی را قبول کنیم کنوانسیون وین مملو از اصول کلی بی‌شماری خواهد شد که در مواد آن موجود می‌باشد. از سوی دیگر قبل از اینکه ادعا کنیم این اصل یکی از اصول کلی کنوانسیون است باید این نکته را به اثبات برسانیم که مفهوم حسن نیت کنوانسیون وین را به طور کلی تحت شمول خود قرار داده است. در واقع طرفداران نظریه ماهوی بودن اصل حسن نیت در کنوانسیون وین نتوانسته‌اند با شفاف‌سازی و توضیح این اصل، جریان آن را در کل مواد کنوانسیون به اثبات برسانند. ایشان بر آن بوده‌اند که قواعد و اصولی که ارتباط نزدیکی با اصل حسن نیت داشته‌اند را جزئی از آن بدانند و از این طریق حسن نیت را به عنوان یک اصل کلی و ماهوی که سراسر کنوانسیون را تحت شمول خود دارند معرفی کنند. ولی در واقع قرارداد تمام این اصول و قواعد در زیر اصل حسن نیت این خطر را در پی خواهد داشت که تفاوت بین آنها نادیده انگاشته شود و قدرت تأثیر آنها تا حد زیادی از بین برود. در واقع کنوانسیون وین به این علت این دسته از تعهدات را صریحاً بیان نموده است که میزان اثربخشی و عمل به آنها به میزان قابل توجهی افزایش یابد. حال آنکه اصل حسن نیت به عنوان یک اصل کلی می‌بایست در مواردی به کار رود که کنوانسیون در آن موارد صریح و روشن نمی‌باشد.^{۵۷} به طور خلاصه می‌توان گفت که طرفداران نظریه ماهوی بودن اصل حسن نیت در کنوانسیون وین در تعریف و ابهام‌زدایی از

مفهوم حسن نیت موفقیت چشم‌گیری نداشته‌اند؛ دوم اینکه، تحمیل اصل حسن نیت به عنوان یک تعهد ماهوی بر طرفین قرارداد، ارتقای اطمینان و قابلیت پیش‌بینی در تجارت بین‌الملل، که یکی از ویژگی‌های کنوانسیون وین می‌باشد، را تضعیف می‌کند. از آنجا که مفهوم شفاف و روشنی از اصل حسن نیت ارائه نگردیده است، توسعه و استفاده بیش از حد از این اصل کار عاقلانه‌ای نمی‌باشد و هیچ کدام از طرفداران ایجاد این اصل در کنوانسیون وین به هنگام تدوین آن مشخصاً و دقیقاً به این سوال پاسخ نداده‌اند که تعهد به حسن نیت در متن یک قرارداد تجاری بین‌المللی مستلزم و متضمن چه چیزهایی می‌باشد. پرواضح است جایی که حقوقدانان داخلی در تفسیر و توضیح اصل حسن نیت به عنوان یک اصل حقوق داخلی با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شوند به طریق اولی محاکم و داوران بین‌المللی در تفسیر و اجرای این اصل در مفهوم بین‌المللی خود با معضلات بیشتری مواجه خواهند شد و این باعث خواهد شد که ایشان در این مورد براساس آموخته‌های حقوق داخلی خود عمل نمایند و در نتیجه تفاوت آرا در موارد مشابه ایجاد می‌شود. چنین وضعیتی موجب تضعیف اعتماد، قابلیت پیش‌بینی و استحکام در قراردادهای تجاری خواهد شد.^{۵۸} همچنین تاریخچه و چگونگی تهیه متن کنوانسیون وین نشان‌دهنده این امر است که ماده ۷ کنوانسیون وین سازش آشکاری است بین گروهی که معتقد به ایجاد تعهد ماهوی به رعایت حسن نیت بر عهده طرفین قرارداد بودند و گروهی که با رجوع به اصل حسن نیت مخالف بودند؛ سومین ایراد بر این نظریه عبارت است از این که ماده ۷ کنوانسیون وین حاصل مباحثات فراوان بین موافقان و مخالفان اصل حسن نیت می‌باشد و این ماده و مخصوصاً بند اول آن به شیوه‌ای ماهرانه تنظیم شده است به طوری که تأمین‌کننده نظر حقوقدانان نظام حقوقی و نوشته به عنوان موافقان اصل حسن نیت و نظام حقوقی کامن لا «انگلستان» به عنوان مخالفان اعطای نقش ماهوی حسن نیت در کنوانسیون وین می‌باشد. بنابراین اعطای نقش ماهوی به اهل حسن نیت مذکور در بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون برای آن دسته از کشورها که به هنگام تدوین کنوانسیون با ایجاد چنین اصلی در آن مخالف بودند، بسیار غیرمترقبه می‌باشد. حقیقت مطلب این است که اگر نیت کمیته تدوین‌کننده کنوانسیون این بود که به وسیله ماده ۷ یک تعهد مبنی بر حسن نیت را بر طرفین قرارداد تحمیل کند در این صورت از صراحت کلام بیشتری سود می‌جست، همان‌گونه که سند اصول حقوق قراردادهای اروپایی PECL و سند اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی

UNIDROIT در این مورد صریح می‌باشند.

● حسن نیت به عنوان یک وسیله تفسیری

از آنچه بیان شد، چنین به نظر می‌رسد که مناسبترین نقش برای اصل حسن نیت در کنوانسیون وین، نقش تفسیری آن می‌باشد. این نقش با متن و عبارات بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون و تاریخچه تدوین آن انطباق بیشتری دارد و از همه مهمتر این تفسیر مشکلاتی که در مورد نقش ماهوی اصل حسن نیت وجود داشت را ندارد. عده‌ای از نظریه پردازان حقوق در جهت دفاع از نظریه ماهوی بودن اصل حسن نیت در کنوانسیون وین از ظاهر عبارت بند ۱ ماده ۷ یاری طلبیده‌اند. آنان چنین بیان می‌دارند که عبارت قرارداد یک نوع تعهد به حسن نیت را ایجاد می‌کند چرا که هیچ تفاوتی بین تفسیر متن کنوانسیون و تفسیر خود قرارداد وجود ندارد. اگر این عقیده درست باشد که تفسیر کنوانسیون موجب ایجاد حقوق و تکالیفی بر عهده طرفین قرارداد می‌شود، همان طوری که خود قرارداد موجب این حقوق و تکالیف است، و همچنین اگر برای این نظر باشیم که خود قرارداد نیروی الزام‌آور خویش را از کنوانسیون اخذ می‌کند، باز نمی‌توان گفت که بین این دو تفاوتی وجود ندارد. باید بر این باور بود که معنی و مفهوم کنوانسیون با تفسیر مواد آن و معنی و مفهوم قرارداد با تفسیر خود قرارداد معین و مشخص می‌شود. این مسئله که گاهی اوقات مواد کنوانسیون در جهت تفسیر مفاد قرارداد مورد استفاده قرار می‌گیرد درست است ولی این امر نباید چنین تصویری ایجاد نماید که کنوانسیون و قرارداد مساوی و یکسان می‌باشند؛ چرا که مواد کنوانسیون به تفسیر قرارداد می‌پردازند نه این که جایگزین قرارداد شوند. به عبارت دیگر آنچه توسط مواد کنوانسیون انجام می‌شود تفسیر قرارداد است نه این که خودشان به صورت ماهوی عمل نمایند و به عنوان مفاد قرارداد به کار گرفته شوند. با این اوصاف اصل مزبور را باید به عنوان یک وسیله تفسیری قلمداد نمود که در توضیح و شفاف سازی موارد مبهم در سایر مواد کنوانسیون به کار گرفته می‌شود. ولی باید توجه نمود که آنچه به عنوان واژه تفسیر در بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون بیان شده است، علاوه بر این که باید در توضیح و ابهام زدایی سایر مواد کنوانسیون به کار گرفته شود، می‌بایست مفهوم توانایی ارتقا و توسعه مراعات اصل حسن نیت در روابط تجاری بین‌المللی را نیز داشته باشد.

۳. حسن نیت در سند اصول حقوق قراردادهای اروپایی PECL و سند اصول

قراردادهای تجاری بین‌المللی UNIDROIT

از آنچه بیان شد می‌توان فهمید که اصل حسن نیت در عرصه تجارت بین‌المللی روز به روز جایگاه شایسته خود را بهتر و بیشتر می‌یابد. مطالعه اسناد و قوانین تجاری بین‌المللی نشان دهنده آن است که حسن نیت با گذر زمان وسعت و دایره عمل بیشتری پیدا می‌کند. در این مجال برآنیم که مواد مربوط بر اصل حسن نیت در دو سند مهم تجاری بین‌المللی یعنی سند اصول حقوق قراردادهای اروپایی^(۱) PECL و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی^(۲) UNIDROIT را بیان نمائیم. از آنجا که اصل حسن نیت موجود در این دو قانون از لحاظ متنی و نیز از لحاظ عملی تقریباً از ویژگی‌های یکسانی برخوردارند، بنابراین بهتر بود که برای جلوگیری از اطاله کلام هر دو را در یک مبحث بررسی نمائیم. ماده ۱.۲.۱. اصول حقوق قراردادهای اروپایی مقرر می‌دارد: «۱. هر یک از طرفین باید بر اساس حسن نیت و رفتار منصفانه عمل نماید؛ ۲. طرفین این تعهد را نمی‌توانند محدود یا مستثنی نمایند.» و ماده ۱.۷. فصل اول اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی بیان می‌دارد: «۱. در تجارت بین‌الملل هر طرف قرارداد باید مطابق با حسن نیت و رفتار منصفانه اقدام کند؛ ۲. طرفین نمی‌توانند این تکنیک را مستثنی یا محدود نمایند.»

آنچه از بررسی اولیه این دو ماده به دست می‌آید عبارت است از این که هم سند اصول حقوق قرارداد اروپایی و هم سند اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در مقایسه با کنوانسیون وین نقش بیشتر و شایسته‌تری به اصل حسن نیت اعطاء نموده‌اند؛ به طوری که این اصل را از حالت یک اصل تفسیری درآورده و با ذکر آن در قسمت عموماً ضمن اینکه به آن یک حالت الزام‌آور حقوقی اعطاء نموده‌اند، ویژگی و خصوصیت ماهوی نیز بخشیده‌اند. هر دو سند از لحاظ ظاهر و ساختار شبیه یکدیگرند و آنچه بیشتر جلب توجه می‌کند وجود واژه‌ای تحت عنوان رفتار منصفانه می‌باشد. این سوال پیش می‌آید که آیا حسن نیت با رفتار منصفانه تفاوت دارد و اصولاً هدف مقننین این دو قانون از کنار هم گذاشتن این دو اصطلاح چه بوده است؟ حقوقدانان ضمن توجه به این موضوع، بین این

1. Principles of European Contract Law

2. Principles of International Commercial Contracts

دو اصطلاح و کاربرد آنها قائل به تفاوت شده‌اند. آنها معتقدند که: «باید بین این دو تفاوت قائل بود: بدین صورت که حسن نیت عبارت است از تصور نوعی صداقت و انصاف در ذهن. در واقع حسن نیت یک مفهوم ذهنی است. در عوض رفتار منصفانه عبارت است از مراعات انصاف در عمل. بنابراین دارای یک مفهوم و محتوای عینی می‌باشد.»^{۵۹} دومین مطلبی که از بررسی متن این دو مقرر حاصل می‌شود عبارت است از این که در هر دو سند اصل حسن نیت به صورت یک اصل کلی و جامع ذکر شده‌اند. بنابراین می‌توان به جرأت بیان نمود که به موجب هردو قانون دایرهٔ مشمول این اصل هم شامل مذکرات قراردادی و هم اعمال و اجرای قرارداد و هم ضمانت اجرای قراردادی می‌شود. از سوی دیگر هردوی این مقررات طرفین قرارداد را از مستثنی کردن و کنار گذاشتن وحتى محدود کردن این اصل ممنوع می‌کنند. به این معنی که طرفین قرارداد نمی‌توانند به وسیلهٔ توافق تعهد به حسن نیت و رفتار منصفانه را مستثنی نمایند و حتی آثار آن را تغییر دهند. تمامی این موارد نشانگر تحول عظیم و شگرف جایگاه اصل حسن نیت در مقررات تجاری بین‌المللی می‌باشد؛ به طوری که می‌توان ادعا داشت که با وجود چنین مقرراتی در مورد حسن نیت طرفین قرارداد مکلفند که این اصل را هم از لحاظ ذهنی و هم از لحاظ عینی مراعات نمایند و نمی‌توانند بادلایل و بهانه‌های واهی، از زیر تعهدات قرارداد شانه خالی نمایند و اقدام به نقض و فسخ قرارداد نمایند. به طور مثال اگر یکی از طرفین قرارداد با به کارگیری قواعد و اصول دیگر این دو قانون بتواند قرارداد را فسخ نماید ولی این امر مخالف با اصل حسن نیت باشد، در این صورت به استناد این قواعد و اصول نمی‌تواند قرارداد را فسخ کند؛ بارزترین مورد آن نقض جزئی قرارداد است. در مواردی که نقض جزئی قرارداد مطرح می‌شود طرف دیگر قرارداد نمی‌تواند به استناد این نقض جزئی و غیراساسی قرارداد را فسخ کند حتی اگر قرارداد و مفاد آن طرفین قرار را ملزم به رعایت و اجرای کامل آن نماید، چرا که اقدام به فسخ قرارداد به علت نقض جزئی آن مخالف با اصل حسن نیت می‌باشد و اصولاً طرفین قرارداد حق برهم زدن آن را به علت نقایص و اختلافات جزئی ندارند.^{۶۰} به نظر می‌رسد این دو سند بین‌المللی در برخورد با اصل حسن نیت و پذیرش آن به عنوان یک اصل مسلم حقوق قراردادی از نظام حقوقی رومی و ژرمنی و مخصوصاً حقوق قراردادهای آلمان متأثر شده‌اند؛ چرا که اصل حسن نیت موجود در این دو قانون از چنان فراخی و وسعت عملی برخوردار است که می‌توان ادعا نمود که عمل هر کدام از طرفین قرارداد

در هر مرحله از ایجاد، انعقاد، اجرا و ضمانت اجراهای قراردادی می‌بایست براساس اصل حسن نیت باشد و در غیر این صورت طرف دیگر قرارداد حق فسخ قرارداد و ادعای جبران خسارت به علت نقض اصل حسن نیت را خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

از مباحث ذکر شده می‌توان به اهمیت و ارزش روزافزون اصل حسن نیت در حقوق قراردادهای پی‌برد. بررسی تحول این اصل در مسیر تاریخی خود نشان داد که برخورد نظام‌های مختلف حقوقی و حتی کشورها با آن کاملاً متفاوت از یکدیگر می‌باشد. ولی می‌توان گفت که گرایش به پذیرش اصل حسن نیت به عنوان یک اصل مسلم حقوقی بیشتر مورد توجه و امان نظر حقوقدانان و مقننین کشورهای مختلف بوده است. در بررسی اسناد بین‌المللی این موضوع روشن شد که نویسندگان این اسناد، که اغلب از حقوقدانان بزرگ و مشهور جهان می‌باشند، توجه خاصی به این اصل داشته‌اند و در اسناد جدیدتر به مانند اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و اصول حقوق قراردادهای اروپایی ویژگی ماهوی و عام‌الشمول به آن اعطاء نموده‌اند؛ به طوری که طرفین قرارداد را ملزم به اجرای آن در تمامی مراحل مختلف قرارداد می‌کند و از مستثنی نمودن اصل حسن نیت توسط ایشان ممانعت به عمل می‌آورد. تمامی این موارد نشان دهنده آن است که دنیای تجارت کنونی و حقوق قراردادهای به این اصل اهمیت و ارزش خاصی قائل است و به نظر می‌رسد که مقننین کشور ما نیز می‌بایست در امر تقنین به این اصل توجه بیشتری نمایند. پیشنهاد می‌شود در امر اصلاح و تفنین قانون مدنی، که هم اکنون انجام می‌شود، ماده‌ای مستقل به این اصل اختصاص داده شود؛ بدین نحو که طرفین قرارداد را ملزم به رعایت اصل متعالی حسن نیت در تمام مراحل قرارداد نمایند.

یادداشتهای:

۱. ناصر کاتوزیان، *حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها*، شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، جلد اول، ۱۳۷۴، ص ۲۱.
۲. مهدی شهیدی، *تشکیل قراردادها و تعهدات*، نشر دادگستر، ۱۳۷۹، ص ۳۹.
۳. محمدرضا ضیائی بیگدلی، *حقوق بین‌الملل عمومی*، انتشارات گنج دانش، چاپ یازدهم، ۱۳۷۶، ص ۱۰۵.
۴. محمد جعفر جعفری لنگرودی، *ترمیم‌آوری حقوق*، ش ۴۲۴۰، ص ۵۳.
۵. بهروز اخلاقی، فرهاد امام، *اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی*، مؤسسه بین‌المللی کردن حقوق خصوصی Unidroit چاپ اول، ۱۳۷۹، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، صص ۲-۳.
6. [www.good faith.definition.com](http://www.goodfaith.definition.com)
۷. برای مطالعه بیشتر در مورد منافع اصل حسن نیت رجوع کنید به مقاله: Disa sim, "The Scope and Application of Good Faith in the Vienna Convention on Contracts for the International Sale of Goods," p. 7, www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/disasim.
۸. برای مطالعه بیشتر در این مورد رجوع کنید به: دیزا سیم، منبع پیشین، ص ۹.
9. Fairness: Robert Ahillman. Policing Contracts Modification under the UCC: Good Faith and the Doctrine of Economic Duress, 64 *LOWA LREV* 849, 877, 2979.
10. Having Fair Conduct: Holmes Acontextual Study of commercial Good Faith: Good Faith Disclosure in Contract Formation 39V. *PITT.Lrev* 381, 442.
11. Reasonableness, [www.law.good faith.defintion.com](http://www.law.goodfaith.defintion.com).
12. Reasonobbe Standards of Fair Dealing: C.FRIED. Contracts as promise 83 "1981". [www.law.good faith.defintion.com](http://www.law.goodfaith.defintion.com).
13. Honesty in fact: S1-201 (19) of the uniform commercial code [www.law.good faith.definition.com](http://www.law.goodfaith.definition.com).
14. Decent Behaviour Ontario Law Reform Commission, Report on Sale of Goods 163 "1979".
15. Comnonethical Sense, [www.law.good faith.definition.com](http://www.law.goodfaith.definition.com).
۱۶. الواح دوازده‌گانه در سال ۴۵۱ قبل از میلاد کمیسیون روم از ده نفر توسط مجلس سنای روم تشکیل شد که وظیفه آن تدوین عرفها و قوانین پراکنده رومی بود. این کمیسیون با فشار توده مردم تشکیل شد تا شاید با تدوین این قوانین از خودکامگی اعیان و شاهزادگان رومی کاسته شود. در نهایت قوانین مزبور تهیه شد و موضوعات مختلفی از جمله دادخواهی آئین دادرسی، روابط خانوادگی، مالکیت و ... را در خود جای داد. محصلین و شاگردان رومی تا ۴۰۰ سال از تاریخ تدوین این قوانین مکلف بودند که مفاد آن را کاملاً از حفظ بدانند. این مجموعه قوانین در لوح‌های برنزین حک شد ولی با گذر زمان قسمتی از آنها از بین رفت. آنچه امروزه به عنوان الواح دوازده‌گانه از آنها یاد می‌شود، در واقع اقتباسی است از آن مجموعه قوانین. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: [www.12 tables.com](http://www.12tables.com).
17. John Klein, *Good Faith in international Transaction*, p. 4.
18. Pacta Sunt Servanda.
19. John Klien, op. cit, p. 4.

20. John Klien, op. cit, p. 4.
21. J. F. O'connor, *Good Faith in international Law*, Darth morth, 1991.
به نقل از John Klein منبع پیشین، ص ۳.
22. U. F. O'connor, *Good Farth in EnglishLaw*, Darth Morth, 1990.
به نقل از John Klein منبع پیشین، ص ۳.
23. ROY Goode , *The Concept of Good Faith in English law* , p. 2.
24. J. F. O'connar, *GoodFaith in English Law*, Darth Morth 1990, p. 32
به نقل از John Klein منبع پیشین، ص ۸.
۲۵. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به روی گود، منبع پیشین.
Roy Goode, *The concept of Good Faith in English law*.
26. Roy Goode, op. cit, p. 4.
۲۷. برای مطالعه این تعاریف مراجعه کنید به:
- Allan E, Farnsworth, *The concept of Good Fatih in American Law*.
28. Allan E, Farns worth, op. cit, p. 3.
29. Farns worth Allan E., op. cit, pcc.
۳۰. برای مطالعه بیشتر در مورد اصل حسن نیت در حقوق ایالات متحده مراجعه کنید: آلن افارنس ورت، منبع پیشین.
31. Renard Construction V Minister for public works "1992".
32. Bruno, Zeller, *Good Faith-The scarlet pimperl of the CISG*, p. 3.
33. <http://www.law.mcgill.ca/course notes/jandf/elt/assignt/jamie-s.htm>.
۳۴. ماده ۲۴۲ قانون مدنی آلمان، ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه و مواد ۶ و ۱۳۷۵ قانون مدنی ایالت کبک کانادا نمونه‌ای از این مواد قانونی می‌باشند.
35. Peter, Schlechtriem, *Good Faith in German Law and in Internatiional Uniform laws*, p. 1.
36. Peter, Schlecheriem, op. cit, p. 3.
37. Peter, Schlechtriem , op. cit, p. 6.
۳۸. لازم به ذکر می‌باشد که این تأسیس حقوقی در قوانین جدید تجاری بین‌المللی همچون اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی Unidroit تحت ماده مستقل و بدون استناد به اصل حسن نیت تحت عنوان تئوری Hardship مطرح گردیده است. برای مطالعه بیشتر مراجعه نمایید به مواد ۳، ۲، ۶ و ۳، ۲، ۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی Unidroit
- Denis, Tallon, *Le Concept de bonne foi en droit Francais de Contract*, p. 1.
39. Denis, Tallon, op. cit, p. 2.
40. Denis Tallon, op. cit, p. 6.
41. Denis Tallon, op. cit, p. 6.
42. Convention on Contracts for the International Sale of Goods.
43. Gyula Ersi, Apropos the 1980 Vienna Convention on Contracts for the International Sale of Goods, 31 AM.J.Comp.L., p. 348.
44. Ulrich Magnus, General Principle of UN-Sale Law, Last modified, Aug

1987, p. 3.

45. Disa Sim, *The Scope and Application of Good Faith in the Vienna Convention on contracts for the International sale of Goods*, p. 4.

46. Disa Sim, op. cit, pp. 5-6.

۴۷. برای دیدن متن اصلی. ماده مراجعه کنید به دکتر مهربان داراب پور، *تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی کنوانسیون ۱۹۸۰ وین*، جلد اول، انتشارات گنج دانش.

48. John Honnold, *Uniform Law For International Sales Under the 1980 United Nation Convention*, London, Kluwer Law and Taxation Publisher, 3rd edition 1999.

49. Disa Sim, op. cit, pp. 220-21.

50. Disa Sim, op. cit, p. 25.

51. Klaus peter Berger, *International Economic Arbitration*, 1993, p. 62.

۵۲. برای مطالعه بیشتر در مورد معایب این دو نظر «حسن نیت به عنوان رویه عملی و حسن نیت به عنوان عرف تجاری» مراجعه کنید به دیزاسیم Disasim همان منبع ص ۲۰ الی ص ۳۲.

53. Troykeily, *Good Faith and Vienna Convention on Contracts for the International Sale of Goods "CISG"*, 3 *Vindobona Journal of International Law and Arbitration*, p. 53.

54. John Honnold, op. cit, No. 70-84.

55. Eg Ferrari, Franco, *Uniform Interpretation of the 1980 Uniform Sales Law 24 GA.J.INT COMPL "1994-95" 183 "Last modified Nov 1997* :<http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/franco.html>; Amy Hkastely, *Unification and Community: A Rhetorical Analysis of the United Nations Sales Convention; 1988 "last modified Apr.12.1999"* <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/kastely.html> Troy Keily, *Good Faith and the Vienna Convention on Contracts for the International Sales of Goods "CISG"*, 3 *Vindobona Journal of International Law and Arbitration*. Issue 1 "1999" (Last modified Feb 2000) <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/keily.html>.

56. Disa sim, op. cit, p. 26.

57. Disa sim, op. cit, p. 27.

58. E. Allan Farnsworth, *Problems of Unification of Sales Law from the Standpoint of Common Law Countries*, in *Problems of Unification of International Ales Law* 19, 1980, p. 20.

59. John Felemegas, "Comparative Editorial Remarks on the Concept of Good Faith in the CISG and the PECL," Fall 2001, p. 2.

60. Harry Flechtner, "Comparing the General Good Faith Provision of the PECL and UCC: Appearance and Reality," Fall 2001, p. 2.